

بررسی حقوق زنان در سوره نساء با تأکید بر نظریات علامه

طباطبایی جَعْلَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در تفسیر المیزان

نازیه بتول^۱

چکیده

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی حقوق زنان در سوره نساء با تأکید بر تفسیر علامه طباطبایی جَعْلَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در تفسیر المیزان تدوین شده است و تلاش دارد جایگاه زنان در نظام حقوقی اسلام و نقش آنها در خانواده و جامعه را براساس مفاهیم قرآنی تحلیل کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حقوق زنان در سوره نساء برقایه عدالت و کرامت انسانی تنظیم شده و با در نظر گرفتن مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی آنها حقوق و تکالیف به صورت متوازن ارائه شده است. تفسیر علامه طباطبایی تأکید دارد که این حقوق نه تنها برای حفظ کرامت انسانی زنان است، بلکه به تقویت بنیان خانواده و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی نیز کمک می‌کند. یافته‌ها حاکی از نگاه جامع و انسان‌محور نظام حقوقی اسلام به جایگاه زنان است که رعایت آنها ضامن استحکام خانواده و سلامت جامعه خواهد بود.

وازگان کلیدی: حقوق زنان، سوره نساء، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی.

۱. دانش پژوه کارشناسی علوم قرآن، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

حقوق زنان، یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در جوامع مختلف است. در اسلام به ویژه در قرآن، تأکید فراوانی بر حقوق و کرامت زنان شده است. سوره نساء یکی از سوره‌های کلیدی قرآن است که حقوق زنان را در ابعاد مختلف بررسی و تبیین می‌کند. این سوره با آیات خود نه تنها به حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان اشاره می‌کند، بلکه بر اهمیت عدالت و انصاف در روابط خانوادگی نیز تأکید دارد. علامه طباطبائی، یکی از بزرگ‌ترین مفسران قرآن در تاریخ معاصر در تفسیر المیزان به تبیین عمیق‌تری از آیات سوره نساء پرداخته و با تحلیل‌های فلسفی و اجتماعی خود ابعاد مختلف حقوق زنان را بررسی کرده است. او با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن تلاش می‌کند تا مفاهیم عمیق‌تری از آیات را استخراج کند و نشان دهد که اسلام چگونه به دنبال ایجاد تعادل و انصاف در روابط انسانی است. مقاله حاضر، حقوق زنان را در سوره نساء با تأکید بر نظرات علامه طباطبائی بررسی می‌کند. هدف پژوهش حاضر این است که نشان دهد چگونه این سوره و تفسیر آن می‌تواند به فهم بهتر حقوق زنان در اسلام کمک کرده و نقش مثبت آنها را در جامعه اسلامی تبیین کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. حق در لغت و در اصطلاح

حق در لغت به معنای مطابقت و موافقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۶) و وقوع شيء در محل خویش است (طريحی، ۱۳۷۵، ۱۴۸/۵). در اصطلاح فقه، نوعی سلطنت است که گاهی متعلق آن عین است مانند تحجیر و حق رهن و گاهی غیر آن مانند حق خیار که متعلق آن عقد است (جابر عربلو، ۱۳۶۲، ص ۵۴۰). حقوق، جمع حق است که در معانی مختلفی مانند خلاف باطل، ثابت، عدل و داد، طلب قانونی (جوهری، ۱۴۰۷، ۱۴۶۰/۴) نصیب، بهره، حقیقت، سزاوار و آنچه شخص به حکم طبیعت، عرف، شرع یا قانون، اختیار آن را دارد، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۸۰۲۸/۶).

۲-۲. حقوق

در اصطلاح، مجموع قواعدی است که بر اشخاص از آن رو که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند. حقوق به این معنا، همیشه با ترکیب جمع به کار می‌رود و برای نشان دادن مجموع نظام‌ها و قوانین است مانند حقوق ایران، حقوق بین‌الملل، حقوق مدنی و حقوق اسلام. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۳) حقوق به معنای علم حقوق نیز به کار می‌رود؛ یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۴). علم حقوق در بنیادی‌ترین تقسیم خود از دونظر و از دو زاویه نگرش تقسیم شده است: یکی از نظر موضوع و دیگر از نظر قلمرو. از نظر موضوعی، علم حقوق به دو شاخه حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می‌شود و از نظر قلمرو به دو شاخه حقوق ملی (داخلی) و حقوق بین‌المللی (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳). این تقسیم از یک نظر بسیار نارساست؛ زیرا نه تنها رشته‌های حقوقی سایر علوم اجتماعی را در برنمی‌گیرد، بلکه از نظر رشته‌های اصلی علم حقوق نیز کامل نیست و بخشی از رشته‌ها را می‌توان به اعتباری ذیل حقوق عمومی قرار داد و به اعتبار دیگر، ذیل حقوق خصوصی (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

تعريف حقوق زنان در هیچ کتب مصطلحاتی بیان نشده است. کاتوزیان در کتاب خود می‌نویسد: «برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی راحق می‌نامند و به آن، حقوق فردی نیز گفته می‌شود مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل، حق زوجیت» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۳). بنابراین، حقوق زنان به معنای امتیازهای اختصاصی است که برای زنان در جامعه در نظر گرفته شده و دیگران حق تجاوز به آنها را ندارند. این حقوق شامل حق تحصیل، حق اشتغال، حق مالکیت، حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و حقوق مرتبط با نقش‌های خانوادگی مانند حق زوجیت و حق مادر بودن است.

علامه طباطبائی در مورد حق می‌فرماید: «کلمه حق در مقابل باطل به معنای امر ثابتی است که در خارج واقع شده است. حق در عالم تکوین مانند زمین و انسان است که خداوند متعال آنها را در عالم هستی حق قرار داده و در عالم تشريع عبارت است از هرامی که در حد نفس خودش ثابت

باشد که از جمله آنها حقوق مالی و سایر حقوق اجتماعی است. ازین رو که در نظر اجتماع امری ثابت است. قرآن هر امری را حق نمی داند مگر آنچه را که خدا حق دانسته و در عالم ایجاد یا تشریع آن را ثابت کرده است. بنابراین، حق در عالم تشریع یا در اجتماع دینی آن چیزی است که خدا آن را حق قرار داده است مانند حقوق مالی، حقوق زنان یا حقوق والدین بر فرزند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۲۲۵/۱). بنابراین، امور اجتماعی به طور تکوینی حق نیستند، بلکه حق براساس تعیین خداوند مشخص می شود و مخالف آن، باطل است. مانند مالی که از نظر تکوین ممکن است به انسان خاصی تعلق گیرد، اما خداوند آن را به فرد دیگری می دهد، همچون امام در قالب خمس یا همسر در قالب نفقة یا مهریه. قرار گرفتن این مال در جایی که خدا مقرر کرده، حق است و آوردن آن در جای دیگری، از نظر تشریع باطل می باشد.

۳. حقوق زنان در سوره نساء

در سوره نساء حقوق متعددی برای زنان تثبیت شده است که بهوضوح به تأمین و حفظ حقوق اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آنها اشاره دارد. مقاله حاضر به موارد زیر می پردازد:

جدول ۱. حقوق زنان در سوره مبارکه نساء

ردیف	آیات	ترجمه	نظر علامه (تفسیر آیات)	نکات قابل استفاده	کد
۱	للرجال نصیب ママ ترك الوالدان والاقربون وللنماء نصیب مما ترك الوالدان والأقربون ماماقل منه أو كثر نصيبا مفروضا (نساء: ۷)	برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [آپس از مرگ خود] به جای می گذارند سهمی است و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب.	نظر علامه طباطبایی این است که اسلام حقوق زنان و مردان را در ا Rath به صراحت و با شفافیت مشخص کرده است. این موضوع با تأکید بر عدالت اجتماعی بر رفع هرگونه شباهه یا تأویل نادرست دلالت دارد. از نگاه علامه، این قاعده عام و مطلق است و برای همه افراد از زنان و مردان و در همه شرایط صدق می کند.	حق ارث	۱,۱

<p>۱،۲</p>	<p>اصل تشریع بودن ارث زنان در قرآن</p>	<p>این جمله به بطلان سنت جاهلی که زنان را از ارث محروم می‌کرد، اشاره دارد. قرآن با بیان سهم زنان، این رسم را رد کرده وزنان را در نظام ارث وارد کرده است. قرآن ارث زنان را اصل تشریع قرار داده و ارث مردان را براساس آن تبیین کرده است. به گونه‌ای که سهم مردان وابسته به محاسبه سهم زنان است. بیان «للذکر مثل حظ الانثیین» به جای «اللائشی نصف الذکر» برای دقت بیشتر و شمول معنایی است. این عبارت هم‌زمان سهم مرد و زن را در شرایط مختلف به‌وضوح مشخص می‌کند.</p>	<p>حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث بزند.</p>	<p>یوصیکم اللہ فی اولاد کم للذکر مثل حظ الانثیین. (نساء: ۱۱)</p>
<p>۲،۱</p>	<p>حق مهریه</p>	<p>نظر علامه طباطبائی در مورد مهریه این است که اسلام، دادن مهریه به زنان را بداع نکرده، بلکه این یک سنت متداول و پذیرفته شده در جوامع بشری بوده است. ایشان می‌فرماید: «اختصاص مالی به زنان در ازای ازدواج از دیرباز وجود داشته و نوعی معامله تلقی می‌شده است. به عبارت دیگر، مهریه در نگاه سنتی، عوضی برای ارزش عصمت و تعهد زناشویی زنان بوده است. به گفته اسلام، این سنت متداول را امضا کرده و آن را بخشی از نظام حقوقی خود ساخته است. این نشان‌دهنده سارگاری اسلام با عرف‌های مفید و عادله‌ای است که در جوامع پیشین وجود داشته‌اند.</p>	<p>و مهریه زنان را به عنوان هدیه‌ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشمداشت و منتگذاری] به خودشان بدهید و اگر چیزی از آن را با میل و رضایت خود به شما ببخشند آن را حلال و گوازا بخورید.</p>	<p>و آتوا النساء صدقاتهن نحلة فإن طبن لكم عن شيء منه نفسا فكلوه هنيئا مريئا. (نساء: ۴)</p>

۳,۱	حق نقهه	<p> القومیت مردان در نظر علامه طباطبایی، مسئولیتی مبتنی بر عدالت و تعهد است که از تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های اجتماعی ناشی می‌شود. این قومیت نه به معنای برتری ذاتی مردان، بلکه به معنای تعهد بیشتر آنها در حوزه‌های خاص مانند تأمین مالی و مدیریت امور خانوادگی است. همچنین این مسئولیت نباید به گونه‌ای تفسیر شود که موجب نقض استقلال یا حقوق فردی و اجتماعی زنان شود.</p>	<p>مردان بر زنان قیامت و سرپرستی دارند؛ زیرا خدا برخی را بربخی برتری داده و چون مردان از مال خود نفقة زنان و مهریه آنان را می‌دهند.</p>	<p>الرجال قومون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من أموالهم. (نساء: ۳۴)</p>	۳
۴,۱	حق حسن معاشرت	<p>«وعاشروهن بالمعروف» هسته اصلی آموزه اخلاقی این آیه است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «معروف در اینجا به معنای رفتار مطابق با اصول انسانی، اخلاقی و شریعت است. حتی اگر مردان از همسران خود ناراضی باشند، قرآن توصیه به صبر و مدارا می‌کند. علامه این توصیه را نشانه‌ای از تأکید اسلام بر حفظ بنیاد خانواده و جلوگیری از تصمیمات عجولانه و مبتنی بر احساسات می‌داند: «عسى أن تكرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً» به مؤمنان یادآوری می‌کند که ممکن است در نارضایتی‌های ظاهری، برکات و خیرات الهی نهفته باشد. علامه این نکته را به معنای لزوم اعتماد به حکمت خداوند و پرهیز از تصمیمات زودهنگام تفسیر می‌کند.</p>	<p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به‌اکراه، ارث برد و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان بهدر] برد مگر آنکه مجرم رشتکاری آشکاری شوند و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.</p>	<p>ياؤها الذين آمنوا لا يحل لكم أن ترثوا النساء كرها ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيموهن إلا أن يأتين بفاحشة مبينة وعاشروهن بالمعروف فإن كرهتموهن فعسى أن تكرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً. (نساء: ۱۹)</p>	۴

<p>۵,۱</p>	<p>حق استقلال مالی</p>	<p>علامه می فرماید که در این آیه، تعبیر «مما اکتسبو» و «مما اکتسبن» بر این نکته دلالت دارد که آنچه انسان از مرد یا زن به دست می آورد نتیجه تلاش ها، موقعیت ها یا شرایط اختصاصی اوست، چه از راه اعمال اختیاری و چه از راه ویژگی های طبیعی یا اجتماعی که خداوند مقرر کرده است اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی به دست می آورد خاص خود اوست.</p>	<p>آرزو مکنید آن چیزهایی را که بدانها خدا برخی از شما را برخی دیگر برتری داده است. مردان را آنچه کنند نصیبی است و زنان را از نصیبی ایشان نمایند. روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است.</p>	<p>ولاتمنوا مفضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما اكتسبو و للنساء نصيب مما اكتسبن و اسلوا الله من فضله ان الله كان بكل شيء عليما. (نساء: ۳۲)</p>	<p>۵</p>
<p>۶,۱</p>	<p>حق بیتوه</p>	<p>این آیه بر واقع نگری در مسائل مربوط به روابط زناشویی تأکید دارد. اگرچه عدالت مطلق میان همسران ممکن نیست، اما رعایت عدالت رفتاری و حقوق واجب، شرط اصلی در تعدد زوجات است و یکی از حقوق زنان حق بیتوه است. این آیه علاوه بر تبیین محدودیت های انسانی، راهکاری برای بهبود روابط زناشویی و تأمین آرمش خانواده ارائه می دهد و مردان را به تقوا و اصلاح فرامی خواند.</p>	<p>و شما هر چند حرص [بر عدالت] باشید، هرگز نمی توانید [از نظر علاقه و میل قلی] میان زن هایی که در عقد خود دارید عدالت ورزید، پس تمایل خود را به طور کامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید و اگر توافق و سازش ننمایید و تقوا را [در محیط خانواده] رعایت کنید [مورد آمرزش قرار می گیرید؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزند و مهربان است.</p>	<p>ولن تستطعوا أن تعدلوا بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل الميل فنذروها كالمعلقة وإن تصلحوا وتقوا فإن الله كان غفورا رحيمـا. (نساء: ۱۲۹)</p>	<p>۶</p>

۳-۱. حق ارث

حق ارث در اسلام، یکی از احکام مهم اجتماعی و حقوقی است که به صورت روشن و صریح در آیات قرآن بیان شده است. آیات ۷، ۱۱ و ۱۲ سوره نساء به حق ارث زنان اشاره دارد و تصریح می‌کند که زنان نیز از اموال متوفی ارث می‌برند. این حق به زنان اجازه می‌دهد تا از نظر مالی مستقل باشند و از دارایی‌های خود بهره مند شوند. خداوند می‌فرماید: «للرجال نصيب مما ترك الوالدان والأقربون وللننساء نصيب مما ترك الوالدان والأقربون مما قبل منه أو أكثر نصيبياً مفروضاً؛ برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می‌گذارند سهمی است و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جا می‌گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب» (نساء: ۷).

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان با تحلیل آیات ارث به قاعده‌ای کلی اشاره می‌کند که براساس آن، تمام خویشاوندان از جمله زنان به دلیل نزدیکی نسبی، سهمی قطعی و مشخص از اموال متوفی دارند. وی با بررسی واژه‌های نصیب به معنای سهم معین و فرض به معنای وجوب و قطعیت تأکید می‌کند که تقسیم ارث براساس قواعد قرآنی الزامی و محروم کردن زنان از آن خلاف عدالت الهی است. استفاده از واژه «اقربون» نزدیکی خویشاوندی را معیار اصلی برای اولویت در ارث معرفی کرده و تأکید دارد که این نظام با سنت‌های جاهلی که زنان و کوکان را از ارث محروم می‌کرد تفاوتی بنیادین دارد. این اصلاح نه تنها حقوق فردی زنان را تضمین می‌کند، بلکه عدالت اجتماعی را تقویت کرده و از بی‌عدالتی در توزیع اموال جلوگیری می‌کند. علامه معتقد است که حق ارث زنان در قرآن علاوه بر جنبه حقوقی، پیامی اخلاقی دارد که هدف آن حذف تبعیض‌ها و ایجاد تعادل میان تمام اعضای خانواده است. (طباطبائی، ۱۳۷۴/۴، ۳۱۳)

۳-۲. حق مهریه

یکی از حقوق مالی که اسلام برای زنان در نظر گرفته، مهریه است. مهریه هدیه‌ای است که مرد در قالب نشانه‌ای از صداقت و تعهد درهنگام ازدواج به همسر خود تقدیم می‌کند. این حق

مالی، برخلاف برخی رسوم جاهلی که زنان را از اirth و مالکیت دارایی محروم می‌کرد در اسلام به رسمیت شناخته شده و در آیات قرآن نیز به آن تصریح شده است. قرآن کریم در چندین آیه از جمله در آیه ۴ سوره نساء بر لزوم پرداخت مهریه به زنان تأکید کرده و آن را «صدقاتهن نحله» یعنی، مهریه در قالب بخششی خالص نامیده است: «وَآتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتَهُنَّ نَحْلَةً فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هُنِيئَا مَرِيئَا؛ وَمَهْرِيَّةُ زَوْجِكَ لَكَ عَنْوَانُ هَدِيَّةِ إِلَهِيَّ بَالْمِيلِ وَرَغْبَتِ [وَ بَدْوَنِ مَنْتَگَدَارِ] بَهْ خُودَشَانِ بَدْهِيدِ وَ أَكْرَچِيزِيِّ ازْ آنَ رَبَّا مِيلِ وَ رَضَايَتِ خُودَ بَهْ شَمَا بَيْخَسِنَدَ آنَ رَبَّ حَلَالِ وَ كَوَارَا بَخُورِيَّدِ» (نساء: ۴).

آیه ۴ سوره نساء به موضوع مهریه اشاره دارد و تأکید می‌کند که مردان موظف به پرداخت مهریه به همسران خود هستند؛ این مهریه، حق مسلم زنان است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه «وَآتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتَهُنَّ نَحْلَةً» به وجوب پرداخت مهریه به زنان پرداخته و آن را سنتی اجتماعی می‌داند که اسلام آن را امضا کرده است و نه اینکه به عنوان یک حکم تأسیسی مورد تأکید قرار می‌دهد. وی توضیح می‌دهد که مهریه از دیرباز در جوامع بشری، عطیه‌ای مالی برای زنان در ازدواج پذیرفته شده بود. کلمه «صدقات» به معنای مهریه‌ای است که به زنان تقدیم می‌شود و استفاده از کلمه «نحله» به معنای عطیه‌ای رایگان و بی‌قید و شرط، نشان‌دهنده این است که مهریه هدیه‌ای است که مرد به زن می‌دهد نه بهای یک معامله یا قراردادی اقتصادی. علامه طباطبائی بر این نکته تأکید دارد که پرداخت مهریه به زن نشان‌دهنده احترام به کرامت و حق مالکیت او براین عطیه است. براساس این آیه، مهریه به طور کامل متعلق به زن است و شوهر تنها در صورتی می‌تواند از آن استفاده کند که زن با طیب نفس و رضایت کامل اجازه دهد. اسلام برخلاف فرهنگ‌های ناعادلانه‌ای که ممکن بود مهریه را به شکل ظالمانه از زن بازپس گیرند یا به اجبار به شوهر واگذار کنند حق زن را بر مهریه محفوظ داشته است. همچنین استفاده از عبارت «هنئا مربیا» در آیه به حلال بودن و مشروعيت کامل استفاده از مهریه توسط شوهر تنها در صورت رضایت زن دلالت دارد. علامه به این نکته تأکید می‌کند که مهریه علاوه بر جنبه اقتصادی، ارزش اخلاقی و انسانی دارد و هدف آن تأمین استقلال مالی زن و احترام به

۳-۳. حق نفقة

اسلام دینی جامع و عادل است که حقوق و تکالیف متقابل زن و مرد را در زندگی زناشویی به طور دقیق مشخص کرده است. یکی از مهمترین حقوق مالی زنان در اسلام نفقة است که شامل تأمین نیازهای اساسی زندگی مانند مسکن، خوراک، پوشاك و سایر هزینه‌های ضروری می‌شود. قرآن کریم به صراحة این مسئولیت را برعهده مرد گذاشته و آن را یکی از وظایف شرعی و اخلاقی او در مقابل همسرش می‌داند. در آیه ۳۴ سوره نساء، مردان «قومون على النساء» معرفی شده‌اند که به معنای سرپرستی مسئولانه و تأمین‌کننده بودن آنها در امور مالی خانواده است: «الرجال قومون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما أنفقوا من أموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فإن أطعنكم فلا تبغوا عليهم سبيل إن الله كان علياً كبيراً؛ مردان بر زنان قيمومت و سرپرستي دارند؛ زيرا خدا برخى را برابر برخى برترى داده و چون مردان از مال خود نفقة زنان و مهریه آنها را می‌دهند» (نساء: ۳۴).

در سوره نساء، تأمین نفقة و هزینه‌های زندگی زن برعهده مرد قرار داده شده است. این حق شامل تأمین مسکن، پوشاك و سایر نیازهای مالی زن است آیه «الرجال قومون على النساء» در تفسیر علامه طباطبایی بر مسئولیت مالی مردان در مقابل زنان تأکید دارد و این وظیفه را جزئی از مفهوم قوامیت می‌داند. علامه طباطبایی با استفاده از کلمه «قام» که به معنای مسئولیت و سرپرستی است، اشاره می‌کند که این مسئولیت به طور مستقیم به تأمین معیشت زنان از راه انفاق مالی و نفقة ربط دارد. براساس تفسیر ایشان، مردان در مقام قوامیت بر زنان قرار دارند چون هم از نظر تفضیل الهی یعنی، توانمندی‌های جسمی و عقلانی بیشتر و هم از

نظر تأمین هزینه‌های مالی مانند مهریه و نفقة مسئولیت اداره خانواده را بر عهده دارند.

(طباطبایی، ۱۳۷۳/۴، ۵۴۰)

علامه طباطبایی نفقة را نه یک امتیاز، بلکه وظیفه‌ای الهی می‌داند که مردان باید آن را ادا کنند. این تأمین مالی نه فقط در رابطه با همسر، بلکه در مواردی مانند حفظ کرامت و تأمین معیشت در زندگی خانوادگی به طور عمومی برای زنان کاربرد دارد. نفقة، یکی از ارکان اساسی قوامیت مردان بوده و به زنان حق برخورداری از حمایت مالی برای تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، پوشش و مسکن را می‌دهد. بنابراین، نفقة جزئی از عدالت اجتماعی است که نه فقط پایه‌گذار روابط خانواده سالم و استوار است، بلکه مانند ابزاری برای تضمین حقوق زنان و رفع نابرابری‌های مالی در خانواده عمل می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴/۴، ۵۴۱) این تحلیل به وضوح نشان می‌دهد که پرداخت نفقة و مهریه علاوه‌بر وظیفه مالی، بخشی از ساختار اخلاقی و اجتماعی اسلامی است که موجب حفظ تعادل در روابط خانوادگی و احترام به حقوق زنان می‌شود. قوامیت مردان در قبال زنان با توجه به انفاق مالی نشان‌دهنده حمایت اجتماعی و اقتصادی از زنان است که به ارتقای جایگاه آنها در خانواده و جامعه می‌انجامد.

۴-۳. حق استقلال مالی

یکی از ویژگی‌های برجسته نظام حقوقی اسلام استقلال مالی زنان است. برخلاف بسیاری از جوامع گذشته که زنان را از مالکیت دارایی محروم می‌کردند اسلام به زنان حق تملک، کسب درآمد و تصرف در اموال شخصی را اعطای کرده است. در آیه ۳۲ سوره نساء به این اصل قرآنی تأکید شده است آنجا که خداوند می‌فرماید: «و لَا تَتَمْنَوْا مَا فِي الْأَرْضِ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ آرزو مکنید آن چیزهایی را که بدانها خدا برخی از شما را ببرخی دیگر برتری داده است. مردان را از آنچه کنند، نصیبی است و زنان را از آنچه کنند نصیبی و روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است» (نساء: ۳۲).

سورة نساء به زنان حق می‌دهد تا در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی فعال باشند و از درآمد خود بهره‌مند شوند؛ این حق به زنان اجازه می‌دهد تا در جامعه نقش مؤثری ایفا کنند. تفسیر آیه «للرجال نصیب مما اکتسبوا وللننساء نصیب مما اکتسبن» به روشنی بر حق استقلال مالی زنان تأکید دارد. راغب اصفهانی یادآور شده که کلمه «اکتساب» در به‌دست آوردن فایده‌ای استعمال می‌شود که انسان خودش از آن استفاده کند و معنای کلمه «کسب» از معنای اکتساب عمومی‌تر است و هم آن را شامل می‌شود و هم آنچه را که برای غیر به‌دست می‌آورد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۰) در این آیه، واژه «اکتساب» به معنای هر نوع تملک یا منفعتی است که فرد با عمل اختیاری یا حتی شرایط طبیعی به‌دست می‌آورد. علامه اشاره می‌کند که زنان و مردان هر کدام سهم مستقلی از آنچه به‌دست می‌آورند، دارند و این حق مالکیت مختص به آنهاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۳۴/۴).

این تفسیر براین نکته تأکید دارد که زنان همانند مردان در نظام اسلامی حق دارند از درآمد و دستاوردهای مالی خود بهره‌مند شوند. این حق به زنان اجازه می‌دهد تا در اقتصاد خانواده و جامعه حضور فعال و برابر داشته باشند. علامه همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که این استقلال مالی، ارتباطی با وظایف و مسئولیت‌های دیگر مردان مانند تأمین نفقة ندارد؛ یعنی زنان مالک دستاوردهای مالی خود هستند و مردان حق تصرف در آن را ندارند مگر با رضایت زنان. این آیه و تفسیر آن نشان می‌دهد که اسلام برای زنان حق استقلال مالی را به‌رسمیت شناخته و این حق، بخشی از عدالت اجتماعی و حقوق فردی آنهاست. این رویکرد، جایگاه زن را در جامعه در قالب فردی مستقل و تأثیرگذار ثبتیت می‌کند و نشان‌دهنده نگاه مترقی اسلام به حقوق اقتصادی زنان است.

۳-۵. حق حسن معاشرت

اسلام بر حسن معاشرت و رفتار نیکو با زنان تأکید ویژه دارد. در نظام خانوادگی اسلامی، مردان موظف هستند که با همسران خود با مهربانی، عدالت و احترام رفتار کنند. خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحْلُّ لَكُمْ أَنْ ترْثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذَهَّبُوا

بعض ما آتیتمو亨 إلا أن يأتين بفاحشة مبينة وعاشروهن بالمعروف فإن كرهتمو亨 فعسى أن تكرهوا شيئاً ويجعل الله فيه خيراً كثيراً؛ اى کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به‌اکراه ارث برد و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به‌در] برد مگر آنکه مرتكب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها به‌شایستگی رفتار کنید و اگر از آنها خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد» (نساء: ۱۹).

آیه ۱۹ سوره نساء «وعاشروهن بالمعروف» به بیان اصول حسن معاشرت با زنان پرداخته است و بر اهمیت تعامل با زنان به‌گونه‌ای که براساس اصول اخلاقی، عدالت و احترام باشد، تأکید دارد. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، واژه معروف را به معنای رفتار متعارف و پذیرفته شده در جامعه مسلمانان می‌داند که شامل احترام، عدالت، حمایت و همکاری در زندگی خانوادگی و اجتماعی است. در این تفسیر، علامه طباطبائی تأکید می‌کند که این آیه نه تنها به لزوم احترام به زنان اشاره دارد، بلکه ظلم و تبعیض را رفتار غیرمعقول و ناپذیرفتنی در روابط میان زوجین و به‌ویژه در تعامل با زنان می‌داند و از آن نهی می‌کند. معروف به معنای رفتارهایی است که موجب حفظ کرامت زنان می‌شود و دربردارنده کمک به رشد و رفاه اجتماعی است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۰۴/۴) این آیه همچنین تأکید می‌کند که روابط میان مردان و زنان باید مبتنی بر همکاری، همفکری و تعامل متعادل باشد تا هیچ‌کدام از طرفین احساس بی‌احترامی یا نابرابری نکند. از این‌رو، حسن معاشرت با زنان در اسلام نه تنها برای حفظ کرامت و حقوق فردی آنهاست، بلکه باعث تقویت بنیان خانواده و پیشرفت جامعه می‌شود.

۳-۶. حق بیتوه

یکی دیگر از حقوق زنان در زندگی زناشویی، حق بیتوه یا حق همنشینی و همراهی شوهر است. این حق بر مسئولیت مرد در قبال تأمین آرامش روحی و روانی همسرش تأکید دارد. قرآن در آیات متعدد بر اهمیت مودت و رحمت در روابط زناشویی تأکید دارد از جمله در آیه ۱۲۹ سوره

نساء كه می فرماید: «ولن تستطعوا أن تعدلوا بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل الميل
فتذروها كالملعقة وإن تصلحوا وتتقوا فإن الله كان غفوراً رحيمًا؛ وشما هرچند حريص [بر عدالت]
باشید، هرگز نمی توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زن‌هایی که در عقد خود دارید، عدالت
ورزید، پس تمایل خود را به طور كامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی
سرگردان و بلا تکلیف رها کنید و اگر توافق و سازش ننمایید و تقوا را [در محیط خانواده] رعایت
کنید [مورد آمرزش قرار می گیرید]; زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است».

حق بیتوته زنان که به معنای بهره‌مندی از حضور و توجه شوهر در زندگی مشترک است در
تفسیر علامه طباطبائی از آیه «ولن تستطعوا أن تعدلوا بين النساء ولو حرصتم» قابل استنباط
است. علامه توضیح می دهد که عدالت کامل و واقعی به ویژه در علاقه قلبی میان زنان ممکن
نیست؛ زیرا امری است خارج از اختیار انسان، اما آنچه از مردان خواسته شده رعایت عدالت
عملی و رفتاری میان همسران است از جمله تقسیم عادلانه بیتوته و زمان خاص. ایشان تأکید
می کند که مرد نباید به گونه‌ای رفتار کند که یکی از همسرانش را نادیده بگیرد یا او را به حال زنی
معلق، «كالملعقة» یعنی، بدون بهره‌مندی از حضور شوهر رها سازد. این عمل ناعادلانه با اصول
اسلامی در تضاد است. عدالت در رفتار، مواردی مانند توزیع عادلانه زمان حضور مرد با
همسران، فراهم کردن شرایط مناسب زندگی برای هر کدام و اجتناب از تبعیض در برخوردهای
روزمره را شامل می شود. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۶۳/۵) این تفسیر نشان می دهد که حق بیتوته
بخشی از تکالیف واجب مرد نسبت به همسرانش است و رعایت آن برای حفظ حقوق و کرامت
زنان ضروری است. عدم رعایت این حق، زن را از حقوق مشروع خود محروم کرده و باعث تزلزل
در نظام خانواده می شود. بنابراین، از دیدگاه علامه طباطبائی، رعایت عدالت تقریبی در امور
عملی از جمله بیتوته، وظیفه‌ای الهی و اخلاقی است که بر عهده مردان قرار گرفته و یکی از
مصالحیق تقوا و نیکوکاری در روابط خانوادگی است.

۷-۳. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که این سوره یکی از جامع‌ترین منابع حقوقی اسلام است که به شیوه‌ای متوازن، حقوق و تکالیف زنان را در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی مطرح کرده است. رویکرد علامه طباطبائی در این تفسیر با تأکید بر عدالت، کرامت انسانی و رعایت تعهدات اخلاقی و شرعی نشان‌دهنده دیدگاه مترقی و انسان‌محور قرآن در تنظیم روابط اجتماعی است. علامه طباطبائی در بحث حق مهریه تأکید می‌کند که مهریه، حق مالی مستقل برای زنان است که در مقابل ازدواج به آنها تعلق می‌گیرد. این حق نشان‌دهنده جایگاه ارزشمند زنان در نظام خانواده و تضمینی برای امنیت مالی آنهاست. همچنین، حق نفقة یکی از وظایف مردان در مقابل همسران بوده که بپایه عدالت و حمایت مالی قرار گرفته است. این حق نه تنها محدود به تأمین ضروریات زندگی است، بلکه نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری و قوامیت مردان در خانواده است. حق حسن معاشرت از دیگر حقوق زنان است که قرآن مردان را به رعایت آن توصیه می‌کند. علامه طباطبائی معاشرت به معروف را شامل احترام، محبت و رعایت عدالت در رفتار با زنان می‌داند. این حق، ابزاری برای تقویت روابط خانوادگی و حفظ کرامت انسانی زنان است. در مورد حق استقلال مالی نیز علامه به آیه «لرجال نصیب مما اكتسبوا وللنماء نصیب مما اكتسبن» استناد کرده و استقلال مالی زنان در تصرف دارایی‌ها و کسب درآمد را حقی قانونی و شرعی برای آنها معرفی می‌کند.

حق ارث، یکی از حقوق مالی زنان است که در سوره نساء با تفصیل بیان شده است. علامه طباطبائی تأکید می‌کند که سهم ارث زنان باتوجه به مسئولیت‌های مالی متفاوت آنها در خانواده تعیین شده و این سهم نه نشانه تبعیض، بلکه بخشی از نظام حقوقی عادلانه اسلام است. حق بیتوته، بخشی از عدالت در روابط زناشویی و از دیگر حقوق زنان است که قرآن کریم مردان را به رعایت آن توصیه کرده است. علامه بیان می‌کند که رعایت این حق به معنای حضور عادلانه مرد در کنار همسران است که نقش مهمی در حفظ تعادل روانی و عاطفی خانواده دارد. بررسی حقوق زنان در سوره نساء باتکیه بر تفسیر المیزان نشان می‌دهد که نظام حقوقی اسلام

نظام اسلامی است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۳). مترجم: انصاریان، حسین. تهران: سازمان دار القرآن کریم.
۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۲. جابری عربلو، محسن (۱۳۶۲). فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی. تهران: امیرکبیر.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه. محقق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات کلمات قرآن. لبنان: دار الشامیه.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين. تهران: مرتضوی.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات انتشار.
۹. موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۲). ماهیت حق. تهران: مؤسسه تنظیم.

با نگاه جامع و عادلانه، جایگاه زنان را در خانواده و جامعه به رسمیت شناخته و حقوق آنها را به گونه‌ای تنظیم کرده است که هم کرامت انسانی آنها حفظ و هم بنیان خانواده تقویت شود. رعایت این حقوق، ضامن استحکام خانواده و سلامت اجتماعی و نشان‌دهنده اهمیت زنان در نظام اسلامی است.